

هو الله - حمدا لمن لاح برهانه وظهر سلطانه وعم إحسانه...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (95) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مكاتیب عبد البهاء، جلد 1، صفحه 382

هو الله

حمدا لمن لاح برهانه وظهر سلطانه وعم إحسانه و بانته محجته البيضاء وظهر شريعته السمحاء وكشف الغطاء و اجزل في العطاء وسمح بالموهبة الكبرى و أتى بيوم اللقاء وجعل الغبراء غبطة للخضراء واختار حقائق نورا و أفاض عليهم في مشهد الكبرياء نورا استضاء به الأرض و السماء فأنجذبت و اهتزت و انشاحت و خشعت و سجدت و توقدت بالشفعة النورانية و اللبقة الرحمانية في شجرة سيناء في البقعة النوراء التي انتشرت منها نفحات تعطرت بها الارحاء و عبت على الآفاق فأحييت قلوب أهل الوفاق و أنعشت أرواح أهل الاشراق و البهاء و الثناء و التحية و العطاء على الجوهرة الفريدة العصماء و الدررة الدرهرهة الزهراء و الهوية المتشعشة البهراء الحقيقة الجامعة اللامعة القلزم الخضم الموج و الماء الطهور الثجاج الشجرة المباركة المقدسة التي أصلها ثابت و فرعها في السماء و تؤتي أكلها في كل حين الهى الهى ترانى واضعا جيبني على تراب الذل و الانكسار و اعفر وجهي بغبار فناء أحديتك يا ربى المختار خاضعا خاشعا متذللا متضرعا مبتهلا الى ملكوت أنوارك في الليل و النهار ان تنظر الينا بعين عنايتك و لحظات طرف رحمانيتك و تغفر لنا ذنوبنا و خطايانا و تعاملنا بفضلك و جودك في كل الاحوال ربنا انا خطاة و أنت الغفور الرحيم و نحن عصاة و أنت التواب الكريم فاغفر لنا ذنوبنا و اكشف عنا كربونا و قدر لنا برحمتك الانقطاع عن الدنيا و الاشتغال بذكرك و الاشتغال بنار محبتك و المداومة في مشاهدة آياتك و معرفة كلماتك و الامعان في آثارك و الاقتباس من أنوارك رب رب هؤلاء عباد أخلصوا لوجهك و جوههم و انحصر في فضلك و عطائك سرورهم و حبورهم و اشدد ظهورهم على طاعتك و قوا زورهم على عبادتك و اشرح صدورهم بنفحات قدسك و قدر لهم حضورهم في جنة لقاءك و اجعلهم عبادا يرتلون آيات التوحيد في مجامع ذكرك و يقتبسون أنوار التفريد من مشكاة فيضك و ينجذبون الى جمالك يخضعون لجلالك و يتركون ما دونك و يعتمدون على صونك و عونك و يخضعون لكلمتك و يخشعون لأحبتك و ينشرون لنفحاتك و يكشفون لسبحاتك و يفهمون اشاراتك و يفرحون من بشاراتك انك أنت المقتدر على ما تشاء تعطى ما تشاء و تمنع من تشاء و ترزق من تشاء بيدك الملك و الملكوت انك أنت القوى العزيز المحبوب

ای احبای الهی و ای یاران عزیز عبدالبهاء جام میثاق سرشار است و فیض موهبت کواکب اشراق از جهان پنهان چون مه تابان ظاهر و باهر در آفاق بارقه صبح هدی منتشر است و نیر فیض جمال ابهی مستمر و مشتهر صیت بزرگواری اسم



ORIGINAL

اعظم بشرق و غرب رسیده و آوازه امر جمال قدم جنوب و شمالرا احاطه کرده نفعات قدس در مرور است و نسیم حیات در هبوب کلمه الله مرتفع است و عزت ابدیه مکتشف سراج احدیت ساطع است و شعله رحمانیت لامع از جمیع اقطار نداء یا بهاء الأبهی بلند است و در خاور و باختر تعالیم الهی حیرت بخش هر هوشمند اوراق حوادث در افریک و امریک و اروپا بعضی بنعت و ستایش مشغول و برخی بایقظا ملل مألوف و بحیرت موصوف که این امر بسیار خطیر و مخوف بعضی اظهار تعجب نمایند و برخی از شدت تأسف شکایت رانند قومی گویند که حضرت مسیح حین صعود در ظلش نفوسی معدوده بود با وجود این صیبتش جهان گیر گشت و آوازه اش بفلک اثیر رسید اما جمال قدم روحی لأحبائه الفداء حین صعود مات و الوف در ظل رایت عظمتش محشور دیگر معلوم است که در استقبال چه قیامتی بر پا خواهد شد و اعظم یاران حضرت روح پطرس عظیم بود با وجود این پیش از صعود مضطرب گشت و بخوف و هراس افتاد اما اسم اعظم روحی لأحبائه الفداء هزاران نفوس در سبیلش رقص کنان کف زنان پا کوبان جان فشانی نمودند و بمشهد فدا شتافتند باری امور در این مرکز است دیگر معلوم است که احبای الهی ایوم چه سان جانفشانی باید نمایند و بتبلیغ محتجین پردازند نشر رائحه طیبه کنند و شعله نورانیه بر افروزند و لمعه رحمانیه ظاهر نمایند ای یاران الهی بعد از عروج جمال رحمانی آیا سزاوار است دمی بیاسائیم و یا محفلی بیارائیم یا نفس راحتی بکشیم یا شهد مسرتی بچشم یا سر ببالین آسایش بنیم و یا آرایش و آرایش جهان آفرینش بجوئیم لا والله این نه شرط وفا است و نه لایق و سزاوار پس ای یاران بدل و جان آرزوی خدمت آستان نمائید و مانند راستان پاسبان عتبه رحمن گردید و خدمت عتبه مقدسه نشر نفعات است و بیان آیات بینات و عبودیت درگاه احدیت و بندگی بارگاه رحمانیت ملاحظه فرمائید که یاران حضرت روحی له الفداء بعد از صعود بجه انقطاعی و انجدابی و اشتعالی باعلاء کلمه الله قیام نمودند از فضل حق امیدواریم که ما نیز پی آن پاکان گیریم و بقربانگاه عشق وجد کنان بشتاییم اینست فضل موفور اینست موهبت حضرت رب غفور در این ایام در نشر تعالیم الهی در بعضی جهات قدری فتور حاصل و این سبب غم و اندوه ملاً اعلی گشته زیرا اهل ملکوت ابهی منتظر و مترصد آند که هر یک از ما بوفای قیام نمائیم و در محبت اسم اعظم تحمل هر بلا و جفا نمائیم بعضی از یاران رحمانی راحت و آسایش جسمانی خویش را ترک نمودند و در بلاد شهر بشهر بلکه قریه بقریه بنشر نفعات الله پرداختند آن نفوس پاک جان مظهر تحسین ملاً اعلی گشتند روحی لهم الفداء که بچنین موهبت کبری موفق شدند ایام را بتعب و مشقت کبری گذراندند و انفاسرا در هدایت غافلان صرف نمودند ای یاران وقت راحت و آسایش نیست و زمان صمت و سکوت نه عندلیب گلشن وفا را نغمه و الحان بدیع لازم و طوطی شکر شکن هدی را نطق بلیغ واجب سراج را نور و شعاع فرض است و نجومرا درخشندگی مستمر حتم دریا را موج باید و طیور را اوج شاید لثالی را لمعان لازم و ازهار ریاض عرفانرا بوی مشکبار واجب از فضل حی قدیم امید چنانست که کل بر آنچه باید و شاید موفق گردیم ای احبای الهی تعالیم الهی مورث حیات ابدیست و سبب روشنائی عالم انسان صلح و صلاح است و محبت و امان تأسیس آشتی و راستی و دوستی در جهان آفرینش است و واسطه اتحاد و اتفاق و التیام و ارتباط در میان عموم افراد انسان لهذا باید که اساسی در این جهان نیستی بنمید که سبب هستی بی پایان گردد و علت نورانیت عالم امکان شود با جمیع امم و ملل عالم در نهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت لازم است و با کافه فرق مختلفه نهایت مودت و مرحمت و مروت و اعانت و رعایت واجب هر دردیرا درمان شوید و هر زخمی را مرهم و سبب التیام هر ضعیفیرا ظهیر گردید و هر فقیررا معین و دستگیر هر خائفیرا کھف منیع شوید و هر مضطربیرا ملاذی رفیع در این مقام ملاحظه و امتیاز هر چند جائز ولی در این کور عظیم محبوب و مقبول چنانست که نظر از حدودات بشر بر داشته شود و یاران مظاهر رحیم و رحمن گردند و نوع انسانرا خدمت حتی حیوانرا مواظبت نمایند "و رحمته سبقت کل شیء"

ای یاران الهی از فساد پرهیزید و از نائره فتن احتراز نمائید زیرا جهان سوز است و سبب هدم بنیان الهی در شب و روز از اهل فساد بکلی نگاره جوئید و جز محبت و اطاعت و صداقت و امانت را افسانه شمردید زیرا بعضی نفوس اغراض مکنونه در دل دارند و بهانه جویند و فتنه اندازند و فسادی بر پا نمایند و بظاهر اظهار حمیت و آرزوی حریت نمایند و حال آنکه منوی ضمیر چیز دیگر است و مقصد دیگر لهذا احبای الهی باید از این گونه نفوس و از این قبیل امور بکلی اجتناب کنند اطاعت اولیای امور علی الخصوص اعلی حضرت شهریار موجود کنند زیرا سریر تاجداری امروز بوجود شخص عادل مزین است و مسند صدارت بوجود دستور مهربانی آراسته جمیع تعدیات از اشخاصیست که بظاهر آراسته و بباطن کاسته و خویش را در لباس علم در آورده و مانند علت کابوس بر این ملت مایوس مسلط گشته جمیعاً بعوائد قدیمه و قواعد سقیمه دعوت می نمایند و مانع عزت دولت و ترقی ملت هستند دعا کنید که حی قدیر این نفوس را از خواب غفلت بیدار نماید و غمخوار بیچارگان گرداند این را بدانید که ترقی ملت منوط بنفوذ و عزت و قوت دولت است و قوت دولت مشروط بعلویت و ثروت و سعادت ملت این دو توأم است بعضی یخردان را چنان گمان که اگر در نفوذ حکومت خلل و فتوری حاصل شود آسایش و حبور رخ بگشاید نچنانست آنچه نفوذ حکومت عادلانه بیشتر گردد ملت قدم پیشتر نهد و "هَذَا أَمْرٌ مَحْتَمٌ لَا يَتَرَدَّدُ فِيهِ إِلَّا كُلُّ جَهْلٍ وَ ظُلْمٍ" ای احبای الهی وقت محویت و فناست و هنگام عبودیت و وفا نهایت عروج این عبد مقام بندگی حضرت یزدانست اگر در درگاه عبودیت مقبول گردد یا جزا هذه الموهبة الكبرى والا هو مایوس من رحمة الله لهذا عبدالبهاء را نهایت آمال و آرزو چنانست که در این فضا پر و بالی بگشاید و در این میدان بشتابد و از این صهباء نشئه بی منتها یابد سر مست این جام گردد و از این مدام کام دل و جان طلبد و هر ذکری جز این ذکر محبوب محتوم سبب کمال حزن و اندوه است و علت شدت اسف و حسرت غیر محدود از یاران الهی استدعا مینماید که شب و روز بملکوت الهی یزارند و بنالند تا عبودیت اینعبد در آن آستان مقبول افتد ای احبای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهید بر اتحاد و اتفاق بیفزائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر گلهای یک گلشن گردید و حلقه های یک جوشن در یک هوی پرواز نمائید و بیک نغمه و آواز ترنم ساز این سبب سرور ابدیست و راحت قلب و جان سرمدی این عبد همواره از شرور اهل فتور در خطری عظیم است و در بلای عظیم امید بقا در ایام معدودی نه و خوف و بیم آن دارم که حصن حصین را از اختلاف جزئی بین احباء رخنه عظیم حاصل گردد لهذا اليوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق احباء نیست هذا امر مبرور و هذا هو الفوز العظيم و الفيض المبين اللهمستظلين في ظل شجرة الطور جناب امين عليه بهاء الله الأبهى از يوم ورود بلین بقعه نورا چه در انجن احباء و چه در نزد عبدالبهاء جمیع اوقات را بستایش یاران و محمّدت دوستان گذراند زبان بتوصیف هر یک بگشاد و شرح بسیطی از ثبوت و استقامت احباء و اماء الرحمن در بلدان و قری بیان نمود و از این عبد خواهش کرد و بالنیابه از جمیع دوستان الهی جبین بر عتبه مبارک نهاد و زیارت نمود و طلب تأیید و توفیق کرد و علیکم التحية و الثناء (ع ع)